

دوفصلنامه علمی ترویجی سلفی پژوهی، سال ششم \* شماره ۱۱ \* بهار و تابستان ۱۳۹۹  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵ \* تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲ \* صفحات: ۵۱-۶۸

## رهیافتی تحلیلی به آرای تفسیری عبدالرحمن سعدی در تفسیر «تیسیر الکریم الرحمن»

\* محمد معینی فر\*

\*\* لیلی سادات داودی\*\*

\*\*\* فاطمه سادات مشیریان\*\*\*

### چکیده

تفسیر تیسیر الکریم الرحمن، اثر عبدالرحمن سعدی از علمای وهابی سده اخیر است. بررسی این تفسیر به روش توصیفی - تحلیلی مدنظر قرار گرفت، تا با شناخت بیشتر او به عنوان یک عالم وهابی، شیوه و روش سلفیان در تفسیر، مورد ارزیابی قرار بگیرد. تأکید بر فهم ظاهرگرایانه، مرجعیت نص در مقابل عقل و سطحی نگری او در آیات، موجب اثبات صفات جسم گرایانه برای خداوند شده که علاوه بر مخالفت با عقل، با مبنای حجیت روایات سلف نیز ناسازگار است؛ همچنین در آیات ولایت، با چشم پوشی از روایات معتبر بسیار، روشی برخلاف مبانی خود در حجیت روایات پیش گرفته است. آیات فقهی را نیز بدون ذکر دلیل، با تأثیر پذیری از دیدگاه مذهبی خویش، تفسیر می نماید. او هدف تفسیر خود را، اختصار بیان نموده و به ذکر روایات و منابع، ترجمه لغات و اختلاف قرائات نپرداخته و فقط در برخی موارد محدود، از شأن نزول و سبب نزول بهره گرفته است؛ ولی در آیات اخلاقی - تربیتی (مخصوصاً قصص قرآنی)، به صورت نسبتاً مفصل به بحث های اخلاقی پرداخته و نکات زیادی را از آنها استفاده نموده است.

کلیدواژه ها: تفسیر، تیسیر الکریم الرحمن، عبدالرحمن سعدی، سلفیه.

---

\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب mohagegkaraki@yahoo.com

\*\* دانش آموخته سطح ۴، گرایش تفسیر تطبیقی، مرکز آموزش عالی تخصصی تفسیر فاطمه الزهرا علیها السلام اصفهان.

\*\*\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم.

## مقدمه

تفسیر تیسیر الکریم الرحمان معروف به تفسیر السعدی، تفسیری مختصر با نثری روان به زبان عربی، در یک جلد و شامل تمام قرآن است. مولف این تفسیر، شیخ عبدالرحمان بن ناصر بن عبدالله آل سعدی ناصری تمیمی متولد ۱۳۰۷ق، از مفسران و دانشمندان حنبلی است که در شهر «عنیزه» از توابع نجد به دنیا آمد. در ۱۵ سالگی، به فراگیری علم خداشناسی، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، نحو و حفظ متون پرداخت. در رشته‌های قرائت، فقه، حدیث، علوم عربی و تفسیر، از اساتید فراوانی از جمله ابراهیم جاسر، محمد شبل، عبدالله بن عایض، علی سنانی، محمد شنقیطی بهره برد؛ همچنین از کتاب‌های ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم بسیار استفاده نمود و کتاب‌های زیادی مانند تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان، حاشیة علی الفقه، إرشاد أولی البصائر، الدرّة المختصرة فی محاسن الإسلام، الخطبة العصرية القيمة، القواعد الحسان لتفسیر القرآن را به رشته تحریر درآورد و شاگردان زیادی را تربیت نمود. سرانجام بعد از ۶۹ سال، در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۷۶ق، در زادگاهش وفات یافت.

تحلیل دیدگاه‌های عبدالرحمن سعدی در تفسیر، به‌عنوان یکی از شخصیت‌های وهابی، جهت شناساندن اثرپذیری تفسیر از آرا و اصول فکری او اهمیت ویژه‌ای دارد و از آنجا که جنایات تکفیری‌های معاصر امروز، بر اساس مبانی سلفی و با تکیه بر تفسیر گزینشی از آیات صورت می‌گیرد، بررسی آرای تفسیری مفسران وهابی و مراجعه مستقیم به نصوص دینی آنها، راه‌کاری برای دستیابی به اصول و شناختی صحیح از تفکرات آنها است؛ بدین ترتیب می‌توان گفت، بازشناسی آرای تفسیری عبدالرحمن سعدی به‌عنوان مفسر وهابی، یک مطلوب علمی به‌شمار می‌رود.

البته تحقیقات خوبی در تحلیل، نقد و آسیب‌شناسی مبانی و آرای وهابی‌ها انجام شده و حتی در برخی تحقیقات، آرای تفسیری تکفیری‌ها در آیاتی خاص، مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال، نقد دیدگاه‌های سلفی‌های جهادی در تفسیر آیه حاکمیت، از علی ملاموسی و حامد پوررستمی و بررسی انتقادی ظاهرگرایی سلفیان در تفسیر متشابهات صفات، اثر محمد اسعدی، از جمله‌ی این موارد هستند؛ اما با وجود موثر

بودن سعدی در القاء تفکرات و تربیت شاگردان بسیار، تا به حال به طور خاص، هیچ تحقیقی در مورد آرای تفسیری او انجام نشده است؛ لذا این تحقیق درآمدی بر شناسایی رویکردشناسی تفسیری سعدی با تأکید بر مشخصه‌های کم‌وبیش ثابتی است که هویت سلفی را در طول تاریخ شکل داده و گذری بر شیوه نویسنده در این تفسیر در بیان مطالب کلامی، فقهی، علوم قرآنی و اخلاقی است، تا با شناخت بیشتر او به عنوان یک عالم سلفی، شیوه و روش سلفیان در تفسیر، مورد ارزیابی قرار بگیرد.

## مباحث کلامی

### صفات خداوند

متکلمان اسلامی، صفت‌های خداوند را به صورت‌های مختلف تقسیم کرده‌اند؛ یکی از این تقسیم‌ها، تقسیم صفت‌های خداوند به صفت‌های خبری و ذاتی است. صفات خبری خداوند، صفت‌هایی هستند که قرآن و حدیث از آنها خبر می‌دهد و هرگز عقل به آنها راه ندارد؛ مانند صورت، دست، چشم و رؤیت خداوند در روز قیامت که در قرآن-مجید آمده است. عبدالرحمن سعدی در تفسیر خود در مورد صفات خبری (مانند دیگر سلفیان)، این‌گونه صفات را برای خداوند ثابت می‌کند؛ بدون اینکه کیفیتی برای آن ذکر نماید.

سلفیان معتقدند، روش سلف بر این بوده است که خداوند را به همان صفاتی که خودش را به آن وصف کرده توصیف کنند.<sup>۱</sup> آنها معتقدند که در قرآن، هیچ چیز در مورد صفات نیست که نیاز به تأویل داشته باشد.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه، در کتاب فتاوی می‌نویسد: آنچه در قرآن و سنت ثابت شده و اجماع و اتفاق پیشینیان بر آن است، حق است. حال اگر از این امر لازم می‌آید که خداوند متصف به جسم بودن شود، اشکال ندارد؛ زیرا لازمه حق نیز، حق است.<sup>۳</sup>

عبدالرحمن سعدی نیز با پیروی از سلف در تفسیر آیه ۲۲ سوره فجر ﴿جاء ربک﴾،

۱. ابن تیمیه، احمد، بغیة المرئاد، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۳۸.

۳. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۵، ص ۱۹۲.



آورده است: خداوند برای داوری کردن میان بندگان در سایه‌هایی از ابر می‌آید؛<sup>۱</sup> یا آیه ۵۴ سوره اعراف «استوی علی العرش» را به عرش، بلند و مرتفع گردید معنا می‌کند؛<sup>۲</sup> چنان‌که آیه ۱۰ سوره فتح «یدالله فوق ایدیهم» را به باز بودن شبانه‌روز دست خداوند تفسیر می‌کند.<sup>۳</sup>

بنابراین تجسیم، چنان در تاروپود اندیشه سلفیان تنیده شده که مقام و منزلت خداوند را در حد یک انسان معمولی تنزل داده است؛ به طوری که ابن تیمیه در منهاج السنه می‌نویسد: در روز قیامت، جهنم پر نمی‌شود و مرتب از خداوند می‌خواهد چیزی در آن بریزد. خداوند هر چه از انسان‌ها داخل جهنم می‌افکند باز هم پر نشده و فریاد «هل من مزید» جهنم بلند است؛ تا اینکه خداوند پایش را در جهنم می‌گذارد و آن‌گاه جهنم پر می‌شود و می‌گوید بس است، بس است؛<sup>۴</sup> البته اعتقاد به تجسیم در تاریخ اندیشه سلفیان همراه با فراز و فرودهایی بوده و آکنده از تحول و تنوع برداشت‌هاست که بررسی تفصیلی آن، خارج از موضوع بحث است.<sup>۵</sup>

در هر صورت، اعتقاد به اینکه خداوند جسم دارد و دارای اعضا و جوارح است، علاوه بر آنکه ملازم با شباهت خداوند به خلق اوست (و این با توحید ناسازگار است)، با اشکالاتی مواجه است که قائلان به آن، هیچ‌گاه قادر به پاسخ‌گویی به آنها نخواهند بود؛ زیرا اگر خداوند اعضایی با ویژگی‌هایی که بیان شده داشته باشد، حتماً به آن اعضا نیازمند خواهد بود؛ در حالی که او غنی بالذات است و به چیزی نیازمند و محتاج نیست.<sup>۶</sup> روایاتی نیز از صحابه و تابعین وارد شده که به تأویل ظاهر این آیات دلالت دارد؛ مثلاً در مورد آیه ۴۷ سوره ذاریات «و السَّمَاءُ بَنِيَانَهَا بَأْيَدٍ»، ابن عباس، مجاهد، قتاده، ابن زید و سفیان «اید» را به معنای قوت گرفته‌اند<sup>۷</sup> و حسن بصری نیز در آیه «جاء

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۱۱۱۲.

۲. همان، ص ۳۲۵.

۳. همان، ص ۹۵۶.

۴. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنه النبویه، ج ۵، ص ۱۰۰.

۵. رضوانی، علی اصغر، خدای مجسم و هابیان، ص ۵۱-۱۰.

۶. ناصح، علی احمد، بررسی و نقد مبانی و اصول فکری ابن تیمیه در تفسیر قرآن، ش ۵۵، ص ۱۶۹.

۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۷.

ربک، امر را در تقدیر گرفته است.<sup>۱</sup>

## رؤیت خداوند

عبدالرحمن سعدی در مورد رؤیت خداوند قائل است: در دنیا امکان رؤیت خداوند وجود ندارد؛ ولی در آخرت می توان خدا را مشاهده نمود. در تفسیر آیه ۱۴۳ سوره اعراف،<sup>۲</sup> در مورد جواب خداوند به درخواست حضرت موسی عليه السلام برای رؤیت خداوند می گوید: خدا فرمود، نمی توانی مرا ببینی؛ زیرا خداوند مردم را در این دنیا به گونه ای آفریده که نمی توانند او را ببینند و این یعنی که مردم پروردگارش را در بهشت نمی بینند... و خداوند آنها را در آن دنیا به صورت کامل می آفریند؛ به گونه ای که می توانند خدا را ببینند.<sup>۳</sup>

یا در تفسیر آیه ۲۲ و ۲۳ سوره قیامت<sup>۴</sup> صریحا می گوید: برخی از آنها هر صبح و شام به پروردگارشان می نگرند و برخی هر جمعه یک بار او را می بینند؛<sup>۵</sup> در صورتی که مفسران، نظرات دیگری در تفسیر این آیه ارائه نموده اند؛ برخی مقصود از نظر را، رؤیت قلب دانسته اند؛ یعنی رؤیت با حقیقت ایمان، نه نظر حسی که متعلق به چشم سر باشد؛<sup>۶</sup> بعضی دیگر از مفسران، کلمه ای در تقدیر می گیرند؛ برای مثال، آلاء را در تقدیر گرفته و این گونه معنا می کنند که در روز قیامت، به نعمت های پروردگار می نگرند. زمخشری در کشف می گوید: واجب است نظر را به چیزی تأویل ببریم که دیدنش صحیح باشد؛<sup>۷</sup> ولی عبدالرحمن سعدی همانند دیگر هم کیشان خود، به برهان های عقلی موجود در این زمینه هیچ توجهی نکرده و تمامی تلاش خود را بر این معطوف کرده که ظاهر آیات را بدون هیچ تأویلی حفظ کند؛ گویا دقت نداشته که اگر قرار باشد خداوند دیده شود، به حصر عقلی، یا جزء خداوند دیده می شود و یا کل آن؛ در صورت

۱. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۵۵.

۲. ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ...﴾.

۳. همان، ص ۳۴۱.

۴. ﴿وَجُودٌ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ نَاضِرَةٌ، إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾.

۵. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۱۰۸۲.

۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۱۲.

۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۶۶۲.



نخست برای خداوند جزء ثابت کرده و در صورت دوم نیز، خداوند را محدود کرده و هر دو مورد برای خداوند محال است.<sup>۱</sup>

علاوه بر اینکه جماعتی از صحابه و تابعین به تأویل آیه پرداخته و به نفی رؤیت حکم کرده‌اند؛ چنان‌چه روایاتی از مجاهد و عکرمة، مبنی بر تأویل بر امر پروردگار، ثواب و فضل پروردگار نقل شده است؛<sup>۲</sup> بنابراین علاوه بر عدم پیروی از سلف، ادعای عدم اختلاف تضادی در آرای تفسیری که سلفیان برای تشیید ارکان تفسیر خود ادعا می‌کنند نیز، نقض می‌شود.<sup>۳</sup>

### انبیا و عصمت آنان

ناصرالدین سعدی در تفسیر خود به ظاهر آیاتی مانند ۱۲۱ طه، ۸۹ صافات، ۱۴ شعراء، ۲۰ شعراء، ۲۳، ۲۴ و ۳۴ ص، ۴۳ توبه، ۳۷ احزاب و ۲ فتح<sup>۴</sup> اکتفا کرده و با توجه به اینکه حتی گاهی با عصمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منافات دارد، ولی به توضیح و شرح آیات نپرداخته و در حد ترجمه از آن گذر کرده است؛ به طور مثال، آیه ۲ سوره فتح ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾، این‌گونه معنا شده است: تا سرانجام، خداوند همه گناهان گذشته و آینده تو را ببخشد. او هیچ‌گونه شرح و توضیحی در مورد نسبت گناه به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان ننموده است؛<sup>۵</sup> به طور کلی، ظاهرگرایی سلفیان در آیاتی که به ظاهر، به عدم عصمت انبیا دلالت دارد، نمایان است؛ به طوری که مجبور شده‌اند

۱. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۸-۳۷.

۲. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۴، ص ۲۱۲؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۹، ص ۱۱۹.

۳. اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ج ۱، ص ۲۲۰.

۴. ﴿فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾؛ (سوره طه، آیه ۱۲۱)؛ ﴿قَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾؛ (سوره صافات، آیه ۸۹)؛ ﴿وَ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ﴾؛ (سوره شعراء، آیه ۱۴)؛ ﴿قَالَ فَعَلَّيْتُهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ﴾؛ (سوره شعراء، آیه ۲۰)؛ ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً وَ لِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَ عَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾؛ (سوره ص، آیه ۲۳)؛ ﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَى نَعَاجِهِ وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ﴾؛ (سوره ص، آیه ۲۴)؛ ﴿وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ﴾؛ (سوره ص، آیه ۳۴)؛ ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ﴾؛ (سوره توبه، آیه ۴۳)؛ ﴿وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾؛ (سوره احزاب، آیه ۳۷)؛ ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾؛ (سوره فتح، آیه ۲).

۵. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن، ص ۹۵۵.

توجهاتی بر معنای عصمت پیامبران داشته باشند؛ همان طور که ابن تیمیه قائل است، تفاوت انبیا با دیگران در این است که توبه را به تاخیر نمی انداختند و در توبه کردن تسریع داشتند؛ ضمن اینکه اصرار بر تکرار گناه نیز نداشتند که اگر کسی این توبه را تاخیر اندازد، گرفتار بلا و مصیبت شده و خداوند این را کفاره تاخیر توبه‌ی او قرار می دهد؛ مثل آن کاری که خدا با حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام انجام داد.<sup>۱</sup>

## آیات ولایت

نمونه دیگری که لازم است از این تفسیر بررسی شود، دیدگاه نویسنده درباره آیات فضایل اهل بیت پیامبر گرامی اسلام عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

## الف: آیه ولایت

در آیه ۵۵ سوره مائده می خوانیم: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.

وی معنای ولی در این آیه را دوست می داند و می گوید: هر کس خدا و پیامبرش را به دوستی بگیرد، باید کسانی را دوست بدارد که خدا و پیامبر عَلَيْهِمُ السَّلَام را دوست دارند و آنها مؤمنانی هستند که در ظاهر و باطن مؤمن بوده و با اقامه نماز، همراه با شرایط و فرائض و سایر مکمل های آن، خالصانه خدا را عبادت کرده اند.<sup>۲</sup> درباره شأن نزول این آیه، روایات فراوانی از فریقین نقل شده که نزول آن را هنگام صدقه دادن انگشتر از سوی امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در رکوع نماز تأیید و دلالت آن به ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام را اثبات می کند.<sup>۳</sup>

از صحابه، علی عَلَيْهِ السَّلَام، عبدالله بن عباس، عمار یاسر، ابوذر غفاری، انس بن مالک، جابر بن عبدالله، ابورافع مدنی، مقداد بن اسود، عبدالله بن سلام و از تابعین نیز سلمه بن کهیل، عتبه بن ابی حکیم، سدی و مجاهد، به نقل این ماجرا پرداخته اند و تصریح کرده اند که این آیه در خصوص امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده است؛<sup>۴</sup> تا جایی این

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۳۰۹.

۲. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۲۵۶.

۳. شریف، مرتضی، الشافی فی الامامه، ص ۲۶۸-۲۱۷.

۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۸۶؛ ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۱۶۲؛ حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۰۹؛ فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۸۲؛ سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۴۰۰؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر

ماجرا در کتب اهل سنت نقل شده که جرجانی در شرح المواقف، ادعای اجماع بر آن می‌کند و می‌نویسد: «اجمع ائمه التفسیر ان المراد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و للاجماع علی ان غیره غیر مراد»<sup>۱</sup>.

### ب: آیه اکمال

در آیه ۳ سوره مائده می‌خوانیم: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾.

نویسنده، منظور از «الایوم» در آیه را روز عرفه دانسته و می‌گوید: امروز با کامل کردن پیروزی و تکمیل شرایط ظاهری و باطنی، اصول و فروع دین تان را کامل نمودم.<sup>۲</sup>

روایتی که به نزول این آیه در مورد مراسم حج اشاره دارد، روایتی است که از ابن-عباس نقل شده است: «كان المشركون والمسلمون يحجون جميعا فلما نزلت براءة فنفى المشركون عن البيت الحرام وحج المسلمون لا يشاركونهم في البيت الحرام أحد من المشركين فكان ذلك من تمام النعمة وهو قوله الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»؛ یعنی هنگامی که سوره برائت نازل شد و مشرکان از بیت الحرام رانده شدند، مسلمانان بدون شرکت مشرکان حج را گذراندند. این از اتمام نعمت است که خداوند در این آیه فرموده است.<sup>۳</sup>

اما برخلاف دیدگاه ناصرالدین سعدی، روایاتی موجود است که نزول این آیه را درباره ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، می‌داند که ابن عباس، جابر بن عبدالله، زید بن ارقم، ابوسعید خدری و ابوهیره آن را روایت نموده‌اند؛<sup>۴</sup> بنابراین قول اول که از ابن عباس نقل شده، افزون بر آنکه احتمال دارد در مقام بیان یکی از مصداق‌های اتمام نعمت باشد (نه علت نزول آیه)، مخالف با قول دیگر ابن عباس است که علت نزول را ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌داند.<sup>۵</sup>

القرآن العظيم، ج ۳، ص ۱۲۵؛ ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف والبيان، ج ۴، ص ۸۰.

۱. جرجانی، میرسیدشریف، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۶۰.

۲. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۲۳۷.

۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۱؛ سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۴۶؛ سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲، ص ۲۵۸.

۵. نجار زادگان، فتح الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ص ۱۷۸.



## ج: آیه تبلیغ

در آیه ۶۷ سوره مائده می خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...﴾.

ناصرالدین سعدی، در این آیه پیام را عام دانسته و می گوید: شامل هر چیزی که امت از ایشان دریافت کرده از قبیل عقاید، اعمال، گفته ها، احکام شرعی و مطالب الهی می تواند باشد.<sup>۱</sup>

تفسیر این آیه نیز، با ادعای سلفیان در پیروی از سلف سازگار نیست؛ زیرا در منابع اهل سنت، روایات زیادی در شأن نزول آیه در ارتباط با امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است؛ به گونه ای که در هیچ آیه دیگری، این اندازه روایت نرسیده است.<sup>۲</sup>

مفسران اهل سنت چه آنان که متعرض این قول شده، چه آنان که آن را مسکوت گذاشته اند (غیر از ابن تیمیه و برخی پیروان او)، در صدد رد و انکار اصل ارتباط آیه یاد شده با امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بر نیامده اند.<sup>۳</sup>

## د: آیه مودت

در آیه ۲۳ سوره شوری می خوانیم: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.

صاحب این تفسیر، دو احتمال را برای این آیه بیان می کند؛ اول اینکه، فقط یک چیز را از شما می خواهم که فایده آن به خود شما بر می گردد و آن اینکه به خاطر خویشاوندی مرا دوست بدارید؛ احتمال دوم اینکه، منظور این است که از شما هیچ مزدی نمی - خواهم، مگر اینکه صادقانه خدا را دوست بدارید.<sup>۴</sup>

تفسیر اول ایشان تفسیری خاص است و فقط قریش و خویشاوندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شامل می شود؛ در صورتی که مخاطبان قرآن، تمام افراد در تمام زمان ها هستند. تفسیر دوم نیز، تفسیری بی دلیل و مخالف ظاهر آیه است؛ علاوه بر اینکه در

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۲۶۰.

۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۱۱۷۲؛ حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۲۵۰؛ فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۵۰؛ ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف والبیان، ج ۴، ص ۹۲.

۳. نجار زادگان، فتح الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ص ۱۵۴.

۴. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۹۱۳.



منابع اهل سنت روایات زیادی از صحابه و تابعین ذکر شده که دال بر مودت به اهل بیت پیامبر ﷺ است.<sup>۱</sup>

## مسائل فقهی

روش نویسنده در آیات فقهی این گونه است که در اختلافات فقهی، تعصبی از خود نشان نمی دهد و به تفصیل به مسائل فقهی نمی پردازد و هیچ نظری را مستدل نمی سازد؛ بلکه بر اساس مذهب اهل سنت و جماعت، تا آنجا که برای فهم آیات لازم بوده به آنها پرداخته است که به عنوان نمونه، به برخی اشاره می شود.

## وضو و تیمم

در تفسیر آیه ۶ سوره مائده<sup>۲</sup> که حکم وضو و تیمم را بیان می کند، حدود ۵۰ حکم فقهی استخراج می کند؛ از جمله اینکه:

۱. برای هر آنچه نماز بر آن اطلاق می شود (چه واجب، چه مستحب و حتی نماز میت)، وضو شرط است.

۲. «الی» در آیه به معنای «مع» است و شستن دست ها از آرنج واجب است.

۳. مسح تمام سر واجب است؛ زیرا «باء» برای تبعیض نیست؛ بلکه برای ملاصقه است.

۴. مسح مطلق ذکر شده است؛ پس با یک دست یا دو دست یا با پارچه یا یک تکه چوب و... جایز است.

۵. پاها با دو قوزک باید شسته شود.

۶. دست زدن به زن به قصد لذت جویی و شهوت، وضو را باطل می کند.

۷. در تیمم، مسح همه صورت لازم است.<sup>۳</sup>

همان طور که ملاحظه می شود، در برخی از احکام استخراج شده از آیه، نه تنها

۱. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۸۹.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».

۳. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۲۳۹.

ظهور آیه به آن دلالت ندارد، بلکه گاهی به دلیل تأثیرپذیری از دیدگاه‌های مذهبی خود، ترکیب آیه را برخلاف ظهور لفظ تبیین می‌کند؛ به‌طور مثال، با اینکه عطف «ارجلکم» به «وجوهکم» خلاف ظاهر آیه بوده، اما برای اثبات دیدگاه مذهب مرتکب چنین خلاف ظاهری می‌شود. دلیل خلاف ظاهر بودن این عطف، از این جهت است که هر زمانی در یک عبارت، پس از ذکر یک فعل و متعلق‌هایش، فعل دیگری آورده شود، آنچه به دنبال فعل دوم می‌آید (در نظر عرف)، از متعلقات فعل دوم به حساب می‌آید. بسیار بعید است که در این گونه موارد، یکی از متعلق‌هایی که بعد از فعل دوم آورده شده، جزء متعلق‌های فعل اول محسوب شود.

بنابراین به نظر می‌رسد، ایشان با پیش فرض فقهی سراغ آیه رفته و به اختلاف قرائت «ارجلکم» اشاره کرده و می‌گوید: اگر به جر خوانده شود، منظور مسح پا از روی کفش است! و اگر به نصب خوانده شود، منظور شستن پاهاست.<sup>۱</sup>

### خمس

در آیه ۴۱ سوره انفال می‌خوانیم: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...﴾.

در تفسیر این آیه، «غنتم» را خاص غنائم جنگی معنا می‌کند و در مورد سهم خدا و رسول ﷺ قائل است: از آنجا که آنها غنی هستند، منظور مصرف در مصالح عامه است و ذوی القربی را خویشاوندان پیامبر اکرم ﷺ از بنی هاشم و بنی مطلب می‌داند و می‌گوید: خویشاوند، ثروتمند و فقیر و مرد و زن، در آن برابر هستند.<sup>۲</sup>

ولی هیچ ذکری از اختلاف فرق اسلامی در مورد حکم این آیه نمی‌آورد و با توضیح مختصر از آیه می‌گذرد.

### حجاب

در مورد آیه ۳۱ سوره نور ﴿... لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...﴾، با اینکه روایات مختلف تفسیری در مورد ﴿الَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾، از صحابه و تابعین نقل شده است، بدون اینکه ذکری از روایات و دلیل خویش داشته باشد، برداشتی

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۶۴.



را از آیه ارائه می‌کند. وی استثنای آیه را، لباس‌های زیبا و زیورآلات می‌داند و قائل است که همه بدن زن زینت است و از آنجا که لباس‌های آشکار و ظاهر، به ناچار دیده می‌شوند، آنچه از حکم حجاب در آیه استثناء شده، لباس‌های آشکار و ظاهر است.<sup>۱</sup>

#### متععه

از جمله آیات الاحکامی که محل اختلاف فریق اسلامی است، آیه ۲۴ سوره نساء می‌باشد که خداوند می‌فرماید: «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...»؛ ایشان این‌گونه معنا نموده است که، زنانی که به عقد خویش در آورده‌اید، مهریه‌شان را در مقابل استفاده از آنها بپردازید و می‌گویید: این گفته بسیاری از اهل سنت است و بسیاری نیز گفته‌اند: این آیه در مورد متعه است که در ابتدای اسلام حلال بود؛ سپس پیامبر ﷺ آن را حرام گردانید.<sup>۲</sup>

در صورتی که در منابع اهل سنت، روایتی از جابر بن عبدالله انصاری به این مضمون نقل شده که، دو متعه نساء و حج، در زمان رسول خدا ﷺ حلال بوده و سپس خلیفه دوم (عمر) آن را نهی کرده است. «وَأِنَّهُمَا كَأَنَّ مَتَّعَتَيْنِ عَلَيَّ عَهْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَا أَنُهِى عَنْهُمَا وَأَعَاقِبُ عَلَيْهِمَا...».<sup>۳</sup>

یا روایتی که فخر رازی نقل کرده و صریحا به عدم نهی از متعه در زمان رسول خدا ﷺ دلالت دارد. «نزلت آية المتعة في كتاب الله تعالى و لم ينزل بعدها آية تنسخها و أمرنا بها رسول الله صلى الله عليه و سلم و تمتعنا بها، و مات و لم ينهنا عنه، ثم قال رجل برأيه ما شاء»؛ یعنی آیه متعه در کتاب خدا نازل شد و بعد از آن، آیه‌ای که آن را نسخ کند نازل نشده است؛ پیامبر ﷺ ما را به متعه امر می‌کرد و بهره‌مند می‌نمود؛ ایشان در حالی رحلت فرمود که ما را از آن نهی نکرده بود؛ سپس مردی به رأی خود هر چه خواست گفت.<sup>۴</sup>

بنابراین همان‌طور که ملاحظه شد، نویسنده در تفسیر آیات فقهی روشمند عمل

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۶۷۰.

۲. همان، ص ۱۸۲.

۳. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۰۶؛ ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۵.

۴. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۴۱.

نکرده و به نظر می‌رسد، با پیش فرض‌های فقهی، سراغ آیات رفته است و چه بسا در برخی موارد، لازم شده، بسیاری از روایات صحابه و تابعان را نادیده بگیرد.

## مباحث علوم قرآنی

ناصرالدین سعدی در تفسیر خود مباحثی چون عدم تحریف قرآن و اعجاز را به مناسبت آیات مطرح می‌نماید و گاهی نیز از مباحثی مانند شأن نزول، اسباب نزول و وقایع تاریخی زمان نزول در تفسیر خود بهره می‌گیرد.

### عدم تحریف

در بعضی از سوره‌ها، آیاتی به عدم تحریف قرآن دلالت دارد که صاحب تفسیر از آن غفلت ننموده است؛ برای مثال آیه ۹ سوره حجر می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾. ایشان در تفسیر این آیه آورده است: در هنگام نازل نمودن قرآن و بعد از آن، ما نگهبانش هستیم. در حال نزول از دست‌برد هر شیطان رجیمی محافظت می‌شود و بعد از نزول، خداوند آن را در قلب پیامبر ﷺ و سپس امتش به ودیعه نهاد و کلماتش را از تغییر و تبدیل محافظت نمود؛<sup>۱</sup> همچنین در آیه ۴۲ سوره فصلت ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ...﴾ تأکید می‌کند که باطل، از هیچ سمت و سویی به آن راه نمی‌یابد؛ یعنی شیطانی از شیطان‌های انسی و جنی نمی‌تواند به آن نزدیک گردد و نمی‌تواند از آن چیزی بدزدد یا چیزی به آن اضافه کند.<sup>۲</sup>

### ۳/۲. اعجاز قرآن

یکی از دلایل اعجاز قرآن، تحدی است و گسترده‌ترین تحدی از میان آیات قرآنی در آیه ۸۸ سوره اسراء<sup>۳</sup> انجام گرفته است. مخاطب این مبارزه طلبی، جن و انس (و یعنی همه جهانیان) هستند. این آیه را دلیلی قاطع و حجتی آشکار بر صحت قرآن دانسته و دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کند که انگیزه رد کردن قرآن به‌طور کامل در وجود دشمنان قرآن و تکذیب‌کنندگان وجود داشت و آنها نیز اهل زبان و اهل فصاحت و شیوایی بیان بوده و

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۳۹۵.

۲. همان، ص ۲۴۰.

۳. ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾.



هستند؛ پس اگر کوچک‌ترین چاره و توانی داشتند، انجام می‌دادند؛ پس همان‌طور که هیچ مخلوقی مانند خدا نیست و در هیچ صفتی همتا ندارد، کلام او نیز جزء صفت- هایش است و هیچ‌کس نمی‌تواند در کلامش با او برابری کند.<sup>۱</sup>

### بهره‌گیری از شأن نزول، سبب نزول و وقایع تاریخی عصر نزول

مولف در مقدمه تفسیر خود، بر معتبر نبودن سبب نزول به تنهایی در تفسیر تأکید می‌ورزد و عموم لفظ را مهم‌تر از خصوص سبب می‌داند؛ البته در جایی می‌گوید: سزاوار است که همه حوادث و افعال و وقایع بر عمومات قرآنی عرضه شود و با آنها، منظور قرآن دانسته شود.<sup>۲</sup>

به همین دلیل، وی در تفسیر برخی آیات، این روش را به کار گرفته و از شأن نزول‌ها، وقایع تاریخی و سبب نزول در تفسیر بهره گرفته است؛ به‌طور مثال در آیه ۲۲ سوره نور،<sup>۳</sup> قضیه مسطح بن اثاثه، یکی از خویشاوندان ابوبکر را به‌عنوان شأن نزول مطرح می‌کند؛<sup>۴</sup> یا در آیه ۳۷ سوره احزاب،<sup>۵</sup> در ماجرای زید بن حارثه، سبب نزول آیه را بیان یک قانون کلی، برای نفی احتساب فرزندخوانده در حکم فرزند حقیقی بیان می‌کند و آیه را تفسیر می‌نماید؛<sup>۶</sup> گاهی نیز از واقعیت‌های تاریخی عصر نزول بهره می‌گیرد؛ چنان‌چه در آیه ۱۸۹ سوره بقره ﴿... لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾؛ با بیان واقعیت و رسم اعراب در مورد عدم ورود از درب خانه و عبادی دانستن آن در موقع احرام، به تفسیر آیه می‌پردازد.<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۵۴۳.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. ﴿وَلَا يَأْتَلُ أَوْلَا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيُغْفِرُوا لِيُصْفَحُوا لَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

۴. همان، ص ۶۶۸.

۵. ﴿وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ عَلَيَّ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾.

۶. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۷۹۸.

۷. همان، ص ۹۵.

## نکات اخلاقی

یکی از ویژگی‌های این تفسیر، پرداختن به نکات اخلاقی \_ تربیتی آیات است؛ به-طوری که می‌توان گفت، گرایش این تفسیر بیشتر اخلاقی \_ تربیتی است؛ این ویژگی، هم در آیات مختلف و هم در قصص و داستان‌های قرآنی، زیاد به چشم می‌خورد؛ به-طور مثال، از همان آیه ۱۸۹ سوره بقره که ذکر آن گذشت، نکته‌ای اخلاقی برداشت کرده و می‌گوید: مناسب است که انسان، هر کاری را از راهی که آسان و نزدیک است انجام دهد و مثال‌هایی از جمله امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌کند که شخص آمریکا ناهمی، باید حالات فرد را بنگرد و با نرمی و سیاست با او رفتار نماید؛<sup>۱</sup> یا در آیه ۲۱۶ سوره بقره ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ...﴾، بعد از تفسیر آیه به جنگ و جهاد، آیه را عام دانسته و قائل است که بیان‌گر یک قاعده کلی است که همه‌ی کارهای خیری که انسان به‌خاطر مشقت و زحمت از آنها متنفر است، برای وی خیر و برکت است و کارهای شری که نفس به‌دلیل آسان بودن و لذت بردن به آنها رغبت می‌ورزد، بدون شک، شر و زیان‌آور است؛ بدین وسیله، به‌شرح و توضیح اخلاقی آیه می‌پردازد؛<sup>۲</sup> چنان‌که در آیات ۷۸ و ۷۹ سوره مائده<sup>۳</sup> که افرادی مورد لعن حضرت داود و عیسی بن مریم عليهما السلام قرار گرفته‌اند، چندین نکته اخلاقی \_ اجتماعی از سکوت و عدم نهی از منکر بیان می-نماید.<sup>۴</sup>

همچنین در قصص قرآنی از این شیوه بهره گرفته است؛ به‌طوری‌که در آیات ۳۰ - ۲۴ سوره ذاریات،<sup>۵</sup> قضیه ورود مهمان‌ها بر حضرت ابراهیم عليه السلام، ۱۶ نکته تربیتی \_ اخلاقی، داستان خضر و موسی عليهما السلام در سوره کهف، ۳۶ نکته، داستان داود و

۱. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿۱۶﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿۱۷﴾﴾.

۴. همان، ص ۲۶۱.

۵. ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ صَيْبِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۱﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿۲﴾ فَرَأَىٰ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿۳﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿۴﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿۵﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَءَ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿۶﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۷﴾﴾.



سلیمان عليه السلام در سوره ص ۲۶ نکته و در داستان حضرت یوسف عليه السلام، ۴۶ نکته اخلاقی  
- تربیتی ذکر می‌کند.

## نتیجه

تفسیر تیسیر الکریم الرحمن نوشته ناصرالدین سعدی از نویسندگانی اهل سنت و با گرایش سلفی است. روش کلی وی در ارائه مطالب این است که بدون هیچ مقدمه‌ای و حتی بدون اطلاعاتی کلی درباره سوره‌ها، از آیه شروع می‌کند و بخشی از آیه را برمی‌گزیند و پیرامون معنای آن توضیحاتی مختصر ذکر می‌کند. لغات آن را به‌طور اجمال بیان می‌دارد و ترکیبات عبارات قرآنی را شرح می‌دهد؛ ولی بحث نحوی، اعرابی، اختلاف قرائات و دیگر مباحث علمی در آن دیده نمی‌شود. در نقل روایات، مأثورات و آرای تفسیری نیز اختصار را رعایت می‌نماید؛ همچنین به منابع هیچ‌یک از آنها اشاره‌ای نکرده است؛ کما اینکه در مباحث تفسیری و لغوی نیز مصادر را متعرض نمی‌شود. تفسیر وی دارای امتیازات و کاستی‌هایی است. اختصار و گرایش اخلاقی - تربیتی آن، می‌تواند از امتیازات این تفسیر باشد و عدم ذکر منابع و مأخذ، تفسیر آیات بر اساس دیدگاه مذهبی، بدون ذکر دلایل کافی و عدول از مبانی تفسیری، از مهم‌ترین کاستی‌های آن است و این نتیجه به‌دست آمده که تکیه و جمود بر اصولی چون ظاهرگرایی، پرهیز از عقل‌گرایی، اتکای افراطی به فهم مخاطبان عصر نزول، منع تأویل به معنای مصطلح آن، انکار مجاز و تکیه بیش از حد بر معانی عرفی، پیامدهای غلط و انحرافی دارد که به‌صورت تفسیرهای نادرست از آیات قرآن، خود را نشان داده است؛ همچنین ناصرالدین سعدی تلاشی برای توجیه اتخاذ حجیت فهم سلف نداشته و دیدگاه‌های خود را به آیات و روایات و اجماع مستند نمی‌نماید. مبانی او به‌عنوان یک عالم سلفی، مبنی بر حجیت سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه و تابعین در این تفسیر مورد نقض واقع شده و روایات، هم در مباحث کلامی و هم در مسائل فقهی، گزینشی و مطابق با دیدگاه مذهبی ایشان انتخاب شده است؛ چنان‌که این امر، موجب ترجیح بدون دلیل روایات مثبت تأویل، بر روایات متضمن معنای ظاهری شده است؛ علاوه بر اینکه، عدم اختلاف تضادی در آرای تفسیری که سلفیان برای تشیید ارکان تفسیر خود ادعا می‌کنند، در مواردی مانند مبحث رؤیت خداوند نقض شده است.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ش.
۳. جرجانی، میرسیدشریف، شرح المواقف، قم: الشریف الرضی، ۱۳۲۵ ق.
۴. حلّی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: موسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۵. رضوانی، علی اصغر، خدای مجسم وهاییان، تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰ ش.
۶. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۷. شریف، مرتضی، الشافی فی الامامه، محقق: سیدعبدالزهره حسینی، تهران: موسسه الصادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۸. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق: محمد باقر محمودی، تهران: وزاره الثقافه والارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۹. ناصح، علی احمد، «بررسی و نقد مبانی و اصول فکری ابن تیمیه در تفسیر قرآن»، مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۵، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، تفسیر القرآن العظیم، محقق: اسعد محمد طیب، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۱۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، مدینه: مجمع ملک فهد، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه النبویه، مصر: بولاق، ۱۳۲۱ ق.
۱۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، بغیه المرتاد، مدینه منوره: مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، بیروت: دارصادر، بی تا.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بی جا: دارالفکر، بی تا.
۱۷. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف والبیان، محقق: ابن عاشور، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، مصحح: حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. سعدی، عبدالرحمن، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، بیروت: مکتبه النهضه



- العريبه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۰. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی، محقق: عمروی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۴. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، محقق: جورج قنواتی، قاهره: الدار المصریه، ۱۹۶۵م.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۶. نجارزادگان، فتح الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۵ش.